

شخصیت رجالی سَمَاعَة بن مِهْران حضرمی*

□ علی محمد میرجلیلی^۱

□ حسن رضایی هفتادار^۲

□ سمیرا دهقان^۳

چکیده

در قرون اولیه اسلامی، مشکلاتی در ثبت و نگارش احادیث به وجود آمد و راویانی ضعیف، مجهول و کذاب با اهدافی متفاوت، اقدام به نقل احادیث جعلی کردند و گاه راویان کم حافظه، روایات را به صورت صحیح نقل نمی کردند. از این رو در قرون بعدی، علم رجال توسط علمای اسلام تأسیس شد تا عهده‌دار بررسی حالات راویان در راستای صیانت از احادیث باشد.

نوشته حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد روایی، در مقام شناسایی و معرفی یکی از راویان حدیث به نام سَمَاعَة بن مِهْران حضرمی است و در پی پاسخگویی به این سؤال است که وی در بین علمای علم رجال، از چه جایگاهی برخوردار است؟ هدف از این پژوهش، بررسی اعتبار احادیث منقول از سَمَاعَة می باشد.

نتیجه مقاله نشان می دهد که سَمَاعَة، از محضر امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) تَلَمَذ نموده و فردی امامی، ثقة و مورد اعتماد بوده است. از این رو، احادیث وی قابل اعتماد می باشد.

واژگان کلیدی: علم رجال، رجال‌شناسی، سَمَاعَة بن مِهْران، وثاقت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله حائری میبد (نویسنده مسئول) (almirjalili@haeri. ac. ir).

۲. دانشیار دانشگاه تهران (hrezai@ut. ac. ir).

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله حائری میبد (deghansamira84@yahoo. com).

مقدمه و طرح مسأله

خبرگان فن حدیث برای شناخت روایات ساختگی و جعلی، آنها را دسته‌بندی کردند و عناوینی چون: «مسند و مرسل، معروف و منکر، مردود و متروک، متفق و مفرق، مؤتلف و مختلف و...» را بر آنها نهادند. همچنین، تشخیص میزان عدالت، صداقت، امانت، علم و اخلاص راویان حدیث نیز مورد توجه و دقت کافی محققان حدیث قرار گرفت تا بتوان از این راه، احادیث صحیح را از مجعولات بازشناخت و بدین وسیله، «علم رجال» به وجود آمد.

علوم اسلامی بر اساس تعالیم قرآن بنا شده‌اند و یکی از منابع تفسیر و تبیین آیات، احادیث منسوب به معصومان علیهم‌السلام است و لیکن برای اعتماد به احادیث، باید صحت و سقم آنها را مشخص کرد. یکی از راه‌های به دست آوردن صحت یک روایت، بررسی رجالی و تتبع در احوال روات آن است تا راوی ثقة و غیر ثقة، کذاب و صادق، وضاع و راستگو را باز شناخت و در نتیجه، احادیث صحیح را ملاک عمل قرار داده و از سخنان کذابان دوری کرد.

در علم رجال که به بررسی راویان حدیث اختصاص دارد، ضمن معرفی شخص راوی، ویژگی‌های مربوط به قبول یا رد روایت وی چون وثاقت، اعتقاد، مدح، ذم و... مورد بررسی قرار می‌گیرد (شانه‌چی، ۱۳۸۷، ۱۹؛ سبحانی، ۱۴۰۸، ۹). نوشته حاضر نیز درصدد بررسی احوال یکی از رجالیان به نام سماعه بن مهران است و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که سماعه نزد رجالیان و محدثان از چه جایگاهی برخوردار است؟ هدف از این پژوهش نیز، تشخیص میزان اعتبار احادیث منقول از سماعه می‌باشد.

پیشینه بحث

نام سماعه بن مهران به عنوان یکی از راویان، در بسیاری از کتب رجالی و غیره به چشم می‌خورد (حلی، ۱۳۴۲، ۵۶۳؛ ابن غضائری، ۱۳۴۲، ۱۲۳؛ کشی، ۱۴۰۴، ۲/۷۷۴؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۲۲۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۴-۱۹۳؛ بغدادی، ۱۹۵۱، ۱/۲۷۶؛ امین، ۱۴۰۳، ۲/۲۸۱؛ خوبی، ۱۴۱۳، ۸/۲۹۷)، لکن با جستجو در سایت‌های مختلف، کتاب، رساله، پایان‌نامه یا مقاله‌ای که به تنهایی شخصیت سماعه بن مهران را مورد بررسی رجالی قرار داده باشد،

یافت نشد. بنابراین، نوشته حاضر بر آن است تا وی را معرفی و وثاقت او را از دیدگاه علم رجال بررسی نماید.

الف. معرفی شخصیت سماعه بن مهران

در این بخش، شخصیت سماعه بن مهران به صورت مختصر معرفی می‌شود:

۱. شرح حال

سماعه بن مهران بن عبدالرحمن حضر می، مولای عبد بن وائل بن حجر حضر می، به کوفه وارد شد و در آنجا سکنی گزید. نجاشی از وی با تعبیر «ثقة ثقة» تمجید می‌کند و او را فردی غیر کوفی و ساکن کوفه می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳-۱۹۴)، ولی برخی وی را از اهالی کوفه و نه صرفاً، ساکن این شهر دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۴۱۴، ۱۳۴/۲؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۲۲۱). کنیه‌اش ابو ناشره یا ابو محمد (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳) و شغل وی، تجارت ابریشم بود و برای انجام این کار به طرف حرّان خارج می‌شد (همان؛ خویی، ۱۴۱۳، ۸/۲۹۷).

۲. عصر حیات سماعه

در مورد سال تولد سماعه در کتب رجالی، ذکری به میان نیامده، ولی برخی چون ابن غضائری و خویی و... معتقدند: سماعه در سن ۶۰ سالگی در شهر مدینه و بنا به گفته ابن غضائری، به سال ۱۴۵ قمری فوت کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲، ۱۲۳؛ خویی، ۱۴۱۳، ۸/۳۰۱). اگر تاریخ وفات وی ۱۴۵ قمری باشد، تاریخ تولد وی به سال ۸۵ قمری است.

علمای رجال، سماعه را از اصحاب امام صادق علیه السلام و کاظم علیه السلام دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۲۲۱ و ۳۳۷ و ر.ک: مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۸۲/۳؛ خویی، ۱۴۱۳، ۸/۲۹۷)؛ ولی با توجه به آنکه سال شهادت امام باقر علیه السلام به ۱۱۴ قمری است (علیاری، ۱۴۱۲، ۱۶۸؛ شیخ کبیر، ۱۴۳۲، ۳۴۲)، سماعه می‌تواند از اصحاب امام باقر علیه السلام نیز باشد. وی در زمان شهادت آن حضرت، ۲۹ ساله بوده است. سماعه سخنی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده، که مصاحبت وی با آن حضرت را تأیید می‌کند، وی در این روایت تصریح کرده که

با راهنمایی امام صادق علیه السلام، خدمت امام باقر علیه السلام رسیده و سخنان ایشان را شنیده است (صفر، ۱۴۰۴، ۱/۲۷۵).^۱

ابن غضائری تاریخ فوت سماعه را در کتابی، در زمان حیات امام صادق علیه السلام و در مدینه به سال ۱۴۵ قمری دیده است، امام علیه السلام در این سال به او فرمود: اگر از مدینه خارج شوی دیگر (ما را نمی‌بینی و) به سوی ما بر نمی‌گردد؛ از این رو، در نزد حضرت (در مدینه) ماند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳-۱۹۴ به نقل از ابن غضائری). نجاشی در صحت این روایت تشکیک کرده، زیرا سماعه از امام کاظم علیه السلام حدیث روایت کرده است، پس باید تا زمان امام کاظم علیه السلام زنده باشد (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳).

برخی از محققان، روایات گسترده سماعه از امام کاظم علیه السلام (حدود ۳۸ مورد) و روایت افرادی از سماعه که امام صادق علیه السلام را درک نکرده‌اند - نظیر ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر، حسن بن محبوب و... - را دلیل بر صحت تشکیک نجاشی دانسته‌اند (خوبی، ۱۴۱۳، ۸/۳۰۷-۳۰۸)، ولی به نظر می‌رسد که روایت سماعه از امام کاظم علیه السلام، هیچ منافاتی با وفات او در زمان امام صادق علیه السلام ندارد، زیرا جایز است روایت از معصوم در زمان حیات پدرش، گرچه در آن زمان امام وقت نباشد (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۳/۳۴۸). روایت صفار در بصائر الدرجات نیز مؤید این مطلب است و نشان می‌دهد وی در زمان امام صادق علیه السلام، خدمت امام کاظم علیه السلام می‌رسیده و جلسات طولانی با آن حضرت داشته و گاهی به همراه ایشان، نزد امام صادق علیه السلام مشرف می‌شده است.^۲ این گونه روایات نشان می‌دهد وی در زمان حیات امام صادق علیه السلام نیز، با امام کاظم علیه السلام مراوده داشته است.

همچنین، در سند برخی از روایات، سماعه نام امام را به صورت تردید بین امام

۱. عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَأَنَا أُحَدِّثُ نَفْسِي فَرَأَنِي فَقَالَ مَا لَكَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ تَشْتَهِي أَنْ تَرَى أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَ دَخِلْتَ الْبَيْتَ فَدَخَلْتُ فَإِذَا هُوَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ أَتَى قَوْمٌ مِنَ الشَّيْعَةِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام بَعْدَ قَتْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَسَأَلُوهُ قَالَ تَعْرِفُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِذَا رَأَيْتُمُوهُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَارْفَعُوا السُّرَّ فَرَفَعُوهُ فَإِذَا هُمْ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَا يَنْكُرُونَهُ وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَلَيْسَ بِمَيِّتٍ وَتَبْقَى مَنْ بَقِيَ مِنَّا حُجَّةً عَلَيْكُمْ.

۲. عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام فَأَطْلُتُ الْجُلُوسَ عِنْدَهُ فَقَالَ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ وَدِدْتُ وَاللَّهِ فَقَالَ فَمَ دَخِلْتُ الْبَيْتَ فَدَخَلْتُ الْبَيْتَ فَإِذَا هُوَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَاعِدٌ (صفر، ۱۴۰۴، ۱/۲۷۶).

صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام آورده است، نظیر «عن سماعة عن أبي عبد الله علیه السلام أو أبي الحسن علیه السلام قال سألته عن...» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۲۲۲ و ۲۲۴) و «عن سماعة عن أبي عبد الله علیه السلام و أبي الحسن علیه السلام قال: سألت أحدهما عن الخمس، فقال: ليس الخمس إلا في الغنائم» (همو، ۱۳۸۰، ۲/۶۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۹/۴۹۱) و «عن سماعة عن أحدهما علیه السلام قال...» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۶/۱۴۸).

ب. تعداد روایات سماعه

نام سماعه در سند بسیاری از روایات وجود دارد، به طوری که تنها در کتب اربعه، تعداد روایاتی که بلاواسطه یا با واسطه از معصوم علیه السلام نقل کرده، به ۹۵۲ مورد می‌رسد (خوبی، ۱۴۱۳، ۸/۳۰۰). این حجم از روایات، نشانگر موقعیت علمی سماعه می‌باشد. از آنجا که بیشترین روایات سماعه، از دو امام صادق علیه السلام و کاظم علیه السلام می‌باشد، در ادامه به کسب علمش از این دو امام و میزان روایات وی از ایشان می‌پردازیم.

۱. کثرت روایات سماعه از امام صادق علیه السلام

کثرت روایات سماعه از امام صادق علیه السلام، علاوه بر آن که نشانگر جایگاه علمی اوست، نشان می‌دهد که وی در مدینه حضور داشته و خدمت امام می‌رسیده است. روایات بلاواسطه وی از امام صادق علیه السلام، با احتساب موارد تکراری به ۷۶۶ عدد می‌رسد که آمار قابل ملاحظه‌ای است.^۱ موضوعاتی که سماعه درباره آنها از امام صادق علیه السلام نقل حدیث کرده، فراوان است، نظیر:

الف. موضوعات فقهی چون نماز (عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳، ۵۴)؛ لباس نمازگزار (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۵۸)؛ روزه (اشعری، ۱۴۰۸، ۱۷)؛ زکات (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۵۱۱ و ۵۱۵ و ۵۳۰)؛ خمس (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۶۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۹/۴۹۱)؛ حج (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۳۰۲)؛ کیفیت قسم (اشعری، ۱۴۰۸، ۲۷ و ۵۳)؛ قتل عمد (همو، ۱۴۰۸، ۶۳)؛ کفار (همان، ۶۶ و ۶۷)؛ اجرای حدود شرعی (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۳۱۸) و

۱. با جستجوی ترکیبی که در نرم افزار جامع الاحادیث (نسخه ۳) صورت گرفت، تعداد روایات با کلیدواژه «سماعة عن ابي عبد الله علیه السلام»، به ۷۶۰ عدد و با کلید واژه «سماعة عن الصادق علیه السلام» به ۷ عدد می‌رسد.

ب. موضوعات اصولی و فقه الحدیثی چون کیفیت برخورد با روایات متعارض (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۶۶).

ج. موضوعات اخلاقی چون حدیث مشهور جنود عقل و جهل (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۰-۲۳)، ارزش صبر (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ۴۶)؛ ارزش حسن خلق (همان، ۲۵)؛ ارزش رسیدگی به فقرا (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۳۷۹)؛ ارزش شکر (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۹۲) و صبر (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۴۵۹)؛ حقوق مؤمنین بر همدیگر (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴، ۴۴-۴۵)؛ آداب غذاخوردن (کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۲۷۱)؛ مذمت از فحش و ناسزاگویی (همان، ۲/۳۲۵)؛ نقل دعاها (معصومین (همان، ۲/۵۵۷ و ۳/۱۹۷)؛ ارزش مجامله (ترک جرّ و بحث در هنگام درگیری‌های لفظی با داشتن قدرت بر جواب دادن) (همان، ۲/۶۴۳) و

د. شرح آیات قرآنی چون شرح و تفسیر آیات (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ۲۴)؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۷۷، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۶، ۲۲۲-۲۲۳)؛ بیان سبب نزول (همان، ۱/۸۳) و تأویل آیات (فрат کوفی، ۱۴۱۰، ۵۸)؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۴۳۱ و ۲/۲۱۰) و

ه. موضوعات کلامی چون شفاعت (قمی، ۱۴۰۴، ۲/۲۵)؛ انواع علم خداوند (صفار، ۱۴۰۴، ۱/۱۱۱-۱۱۲)؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۵۵)؛ توبه (اشعری، ۱۴۰۸، ۶۳)؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۲۱۸)؛ عرض اعمال بر پیامبر اکرم ﷺ (صفار، ۱۴۰۴، ۱/۴۲۶ و ۴۴۵)؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۱۹) و

ز. موضوعات طبی چون بیان خواص غذاها و میوه‌ها (برقی، ۱۳۷۱، ۲/۴۸۸-۴۸۹ و ۲/۵۲۳، کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۳۳۰).

۲. روایات سماعه از امام کاظم علیه السلام (شهادت: ۱۸۳ق)

اشخاص و گروه‌های مختلفی از نواحی مختلف و با هر زبان و ملیتی به خدمت امام کاظم علیه السلام می‌رسیدند (مفید، بی‌تا، ۲/۲۲۴) و از محضر علمی و اخلاقی این بزرگوار بهره می‌بردند؛ سماعه بن مهران نیز یکی از این افراد است. وی سخنان امام را ثبت می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۵۴). تعداد روایات وی از امام کاظم علیه السلام در کتب اربعه، ۳۸ عدد است و در موضوعات مختلفی وارد شده، نظیر:

الف. مباحث کلامی چون ریشه‌داشتن سخنان و نظریات اهل بیت علیهم السلام در قرآن (صفار، ۱۴۰۴، ۱/۳۰۱)؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۶۲) و لزوم مراجعه به اهل بیت علیهم السلام در اخذ احکام (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷/۳۸).

ب. مباحث فقهی چون حج (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۹۰ و ۳۰۲/۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳۸۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۵۹/۵-۶۰ و ۱۳۳)؛ غسل (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۲۰۸)؛ حرمت خرید و فروش قرآن (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۳۱/۷؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۱۱/ ۴۴۵)؛ کیفیت صید حلال (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۱۵/۶).

ج. موضوعات اصول فقه چون نهی از عمل به قیاس (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۲۷).
د. مباحث اخلاقی چون ارزش صبر (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۹۰)، ارزش انفاق (همان، ۴۳/۴)، ارزش خوشرویی (همان، ۱۰۳/۲-۱۰۴)؛ نهی از تبلی و کسالت و بی حالی (همان، ۸۵/۵)؛ بزرگ نشمردن اعمال خیر و کوچک نشمردن گناهان کوچک، ترس از خداوند در راستای داشتن انصاف، سرعت در انجام دستورات الهی، داشتن صداقت در گفتار و حفظ امانت، پرهیز از ورود به محرمات (مفید، ۱۴۱۳، ۱۵۷).
سماعه بسیار به امام کاظم علیه السلام نزدیک بود تا آنجا که مسائل شخصی خود را با امام در میان می گذاشت (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/ ۹۰).

ج. آثار و نوشته‌های روایی

سماعه بن مهران کتابی دارد که افراد بسیاری آن کتاب را از وی روایت کرده‌اند. به گفته نجاشی، گروهی از مشایخ از احمد بن محمد بن سعید روایت کرده‌اند که جعفر ابن عبدالله محمدی فرمود: عثمان بن عیسی ما را نسبت به کتاب سماعه مطلع کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۴؛ خویی، ۱۴۱۳، ۸/ ۲۹۸).

قابل ذکر است که کتاب وی از «اصول اربع مائة» محسوب می‌شود، چنانکه شیخ مفید به این مطلب تصریح دارد. مفید در مقام بحث فقهی از تعداد روزهای ماه رمضان و اینکه این ماه کمتر از ۳۰ روز هم واقع می‌شود، روایاتی از برخی از راویان شیعه و از جمله سماعه بن مهران نقل کرده و آنها را «أصحاب الأصول المدونة والمصنفات المشهورة» خوانده است. آنگاه روایت ذیل را از سماعه نقل کرده است: «وَرَوَى عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ بِالرُّؤْيَةِ وَلَيْسَ بِالظَّنِّ وَقَدْ يَكُونُ شَهْرُ رَمَضَانَ تِسْعَةً وَعَشْرِينَ وَيَكُونُ ثَلَاثِينَ يَصِيبُهُ مَا يَصِيبُ الشُّهُورَ مِنَ النُّقْصَانِ وَالْإِتْمَامِ» (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ «ب»، ۲۵ و ۴۱). وحید بهبهانی نیز

کلام شیخ مفید را نقل کرده که، نشان می‌دهد وی نیز کتاب سماعه را از اصول می‌دانسته است (بهبهانی، ۱۳۶۲، ۳۵).

سماعه خود تصریح کرده که وی و دوستانش، سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) را ثبت می‌کرده‌اند و می‌نوشتند و در هنگام نیاز به نوشته‌های حدیثی‌شان مراجعه می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۵۴؛ فیض، ۱۴۰۶، ۱/۲۵۲).^۱

د. مشایخ سماعه

مهم‌ترین مشایخ حدیثی سماعه عبارتند از: أبو بصیر مرادی، محمد بن عمران و محمد بن سائب کلبی (خویی، ۱۴۱۳، ۳۰۱/۸). در این مقاله به جهت اختصار، تنها به معرفی یکی از مشایخ وی به نام ابوبصیر اکتفا می‌کنیم.

ابوبصیر مرادی

ابوبصیر، لیث بن بختری مرادی کوفی، از اصحاب امام باقر (علیه‌السلام) و امام صادق (علیه‌السلام) است (برقی، ۱۳۴۲، ۱۳/۱؛ کشی، ۱۴۰۴، ۱۷۰/۱؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۱/۱۳۴). کشی وی را از فقهای بزرگ و به نقل از بعضی از علما، از اصحاب اجماع شمرده است (کشی، ۱۴۰۴، ۲۳۸). نجاشی در شرح احوال ابوبصیر، هم در گرایش مذهبی و هم در اعتبار رجالی او سکوت کرده است (حلی، ۱۳۸۱، ۱/۱۳۷) و از سکوت وی، می‌توان به امامی بودن وی پی برد.

بنابراین، ابوبصیر فردی فقیه و ثقه بوده (خویی، ۱۴۱۳، ۱۴/۱۴۲) و تعداد روایات سماعه از ابوبصیر فراوان است، به طوری که تنها در کتب اربعه، تعبیر «عن سماعة بن مهران عن ابي بصير» در سند ۱۳۹ حدیث دیده می‌شود، در کافی: ۵۷ مورد، من لایحضره الفقیه: ۱۰ مورد و تهذیب الاحکام: ۷ مورد (جستجو با نرم افزار جامع الاحادیث). همچنین، این تعبیر با احتساب موارد تکراری در کل نرم افزار، ۱۵۱۰ بار وجود دارد که نشان‌دهنده کثرت روایات سماعه از این شیخ روایی است.

۱. «عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّا نَجْتَمِعُ فَنَتَذَكَّرُ مَا عِنْدَنَا فَلَا يَرُدُّ عَلَيْنَا شَيْءٌ إِلَّا وَ عِنْدَنَا فِيهِ شَيْءٌ مُسَطَّرٌ وَ ذَلِكَ مِمَّا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا بِكُمْ...».

ه. راویان از سماعه

بعد از بیان مختصری از شرح حال سماعه و مشایخ وی، از آنجا که شخصیت یک راوی را تا حدودی می‌توان از شخصیت راویان وی شناخت، به معرفی برخی از راویان سماعه پرداخته می‌شود. افراد زیادی، روایات سماعه را نقل کرده‌اند که محقق خوئی ۳۴ تن از آنها را ذکر کرده است، از جمله: ابن ابی عمیر و ابن فضال و أحمد بن محمد بن ابی نصر و اسحاق بن عمار و جراح الحذاء و جعفر بن بشیر و جعفر بن عثمان و حسن بن محبوب و حسین بن عثمان و زُرعة بن محمد حضرمی و شاذان بن خلیل و صفوان بن یحیی و یونس بن عبد الرحمن (خوئی، ۱۴۱۳، ۸ / ۳۰۱). مهم‌ترین راویان از سماعه عبارتند از:

۱. زُرعة بن محمد حضرمی

زُرعة بن محمد حضرمی، فردی ثقة و مورد اعتماد از راویان سماعه و همراهان وی بوده و دارای کتابی است که جماعت کثیری از وی روایت کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۷۶). وی واقفی مذهب (کشی، ۱۴۰۴، ۲ / ۷۷۴) و دارای اصل (طوسی، ۱۴۱۷، ۲۱۰؛ همو، ۱۴۲۷، ۳۳۷) و از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بوده است (خوئی، ۱۴۱۳، ۲۶۲/۷-۲۶۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۲۱۰؛ حلی، ۱۳۴۲، ۲ / ۵۳۰). بنابراین، هرچند زرعه واقفی مذهب بوده، ولی فردی ثقة است. البته، صرف انحراف اعتقادی راوی چون واقفی یا فطحی و یا سنی بودن، در وثاقت یک راوی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. زرعة روایات فراوانی از سماعه نقل کرده است. تعبیر «زُرعة عَنْ سَمَاعَةَ» در سند ۳۹ حدیث از کافی، ۱۳ حدیث از من لا یحضره الفقیه، و ۱۳۸ حدیث از تهذیب الاحکام وجود دارد. این تعبیر در کل نرم‌افزار جامع الاحادیث با احتساب مکررات به ۹۲۷ مورد می‌رسد (شمارش توسط نرم‌افزار جامع الاحادیث).

۲. یونس بن عبد الرحمن (م ۲۰۸ق)

یونس بن عبد الرحمن فردی ثقة، امامی مذهب و از اصحاب اجماع است (کشی، ۱۴۰۴، ۵۵۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۴۷). امام رضا علیه السلام وی را به عنوان پاسخ دهنده مباحث علمی و فتوایی، معرفی (نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۴۶-۴۴۷) و او را به سلمان فارسی تشبیه کرده‌اند (کشی،

۱۴۰۴، ۲۰۳). وی فردی فقیه، محدّث، مفسر بوده و از تربیت‌شدگان مدرسه امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام و دارای تألیفات بسیاری است (سبحانی، ۱۴۱۸، ۳/۶۳۵-۶۳۶). امام حسن عسکری علیه السلام پس از دیدن کتابی از یونس، آن را تأیید کردند (طوسی، ۱۴۲۰، ۵۱۱).

یونس، روایات فراوانی را از سماعه نقل کرده است به طوری که تعبیر «عن یونس عن سماعه» در ۱۶ مورد از روایات کافی و در ۱۲ مورد از اسناد تهذیب الاحکام وجود دارد و در مجموع کتب روایی با احتساب مکررات، در ۲۶۹ مورد موجود است (جستجو توسط نرم‌افزار جامع الاحادیث).

و. دیدگاه رجالیان در مورد امامی بودن یا وقف سماعه

در مورد امامی یا واقفی بودن سماعه، دو نظریه بین رجالیون وجود دارد:

۱. واقفی بودن سماعه

گروهی نظیر شیخ صدوق، طوسی، محقق حلی، علامه حلی و... سماعه را واقفی می‌دانند.

شیخ صدوق در بیان حالات سماعه تصریح کرده که وی واقفی‌مذهب است. صدوق پس از نقل روایتی از سماعه، می‌گوید: من به این حدیث فتوا نمی‌دهم، زیرا این حدیث را سماعه روایت کرده و واقفی است. شیخ طوسی نیز در کتاب‌های رجال و عدة الاصول، دیدگاه صدوق را مبنی بر واقفی بودن سماعه، تأیید کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۲/۱۲۱؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۳۳۷؛ همو، ۱۴۱۷، ۱/۱۵۰). علامه حلی نیز وی را واقفی می‌داند (حلی، ۱۳۴۲، ۵۶۳).

مؤلف کتاب معجم رجال الحديث در بیان حال سماعه می‌نویسد:

اگر مبنا را در پذیرش روایت بر وثاقت راوی بگذاریم و معتقد شویم خبر ثقه حجّیت دارد - گرچه راوی آن عادل نباشد - در وثاقت سماعه هیچ اشکالی وجود ندارد و همین مبنا صحیح است؛ ولی اگر حجّیت یک خبر را به عدالت راوی مختص بدانیم، روایات سماعه حجّیت نخواهد داشت، زیرا واقفی است. به همین دلیل، علامه و ابن داوود، سماعه را جزء افرادی ذکر کرده‌اند که بر روایات آن‌ها اعتماد نمی‌شود.

البته، مرحوم خوئی سرانجام نظر به عدم واقفی بودن سماعه می‌دهد، چنانکه خواهد آمد (خویی، ۱۴۱۳، ۸/۲۹۹).

محقق حلی در کتاب *المعتبر* معتقد است که سماعه گرچه واقفی بوده، لیکن ثقه و مورد اعتماد است، پس اگر روایتی از سماعه به دست ما برسد که با روایات دیگر تعارض نداشته باشد، عمل به آن واجب است، زیرا اهل حدیث به ثقه بودن سماعه تصریح و اصحاب به حدیث وی عمل کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۷، ۱/۱۰۴).

۲. امامی بودن سماعه

بسیاری از اهل رجال، صراحتماً به امامی بودن و عدم وقف سماعه تصریح دارند و ظاهر کلام برخی نیز بر این مطلب است. نجاشی با تأکید و تکرار واژه «ثقة»، سماعه را فردی ثقه و مورد اعتماد دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۴).

از دیدگاه آیت الله خوئی، براساس ظاهر کلام نجاشی که دو مرتبه با تأکید از وثاقت سماعه سخن می‌گوید: «ثقة ثقة» و از واقفی بودنش سخنی به میان نمی‌آورد، می‌توان نتیجه گرفت که سماعه واقفی نیست؛ زیرا از راویان بزرگ، عالم و شناخته شده است و اگر واقفی بود، این خبر بین همگان پخش می‌شد. برقی و کشی نیز در مورد وقف وی سخنی نگفته‌اند و فقط صدوق، چنین نسبتی را به سماعه داده است (خویی، ۱۴۱۳، ۸/۲۹۸).

علاوه بر این، نجاشی در مورد کسی که بداند واقفی یا فطحی و مانند این‌ها (غیر امامی) است، حتماً انحراف راوی را به صراحت ذکر می‌کند. پس، عدم ذکر واقفی بودن سماعه توسط وی، بیانگر این است که وقف سماعه نزد ایشان اثبات نشده است (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۳/۳۴۷). مامقانی، اعتقاد راسخ در مورد سماعه را وثاقت و واقفی نبودن می‌داند و در تأیید نظر خود، سخن مجلسی در وجیزه، بحرانی در بلغه، طریحی و کاظمی در مشترکات و... را مطرح می‌کند (همان، ۳۴۸).

شواهد دیگری نیز واقفی نبودن و امامی بودن سماعه را تأیید می‌کنند که عبارتند از: اول. نقل دو روایت ذیل توسط سماعه: در این دو حدیث، اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس عقیده امامیه مطرح شده است:

۱. روایت کشی: در ترجمه زرعة بن محمد حضرتي که از حسن بن قیام الصیرفی نقل

می‌کند که گفت: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا فَعَلَ أَبُوكَ، قَالَ: مَضَى كَمَا مَضَى آبَاؤُهُ (ع)، قُلْتُ: فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِحَدِيثِ حَدَّثَنِي بِهِ زُرْعَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ، أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا فِيهِ شَبَهٌ مِنْ خَمْسَةِ أَنْبِيَاءَ يَحْسُدُ كَمَا حَسَدَ يَوْسُفُ (ع) وَيَغِيبُ كَمَا غَابَ يُونُسُ وَ ذَكَرَ ثَلَاثَةً أُخَرَ، قَالَ: كَذَبَ زُرْعَةُ لَيْسَ هَكَذَا حَدِيثُ سَمَاعَةَ، إِنَّمَا قَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَعْنِي الْقَائِمَ (ع) فِيهِ شَبَهٌ مِنْ خَمْسَةِ أَنْبِيَاءَ، وَ لَمْ يَقُلْ ابْنِي» (کشی، ۱۴۰۴، ۷۷۴/۲، ر.ک: مامقانی، ۱۴۳۱، ۱۶۳/۲۸؛ خویی، ۱۴۱۳، ۲۷۳/۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ۴۴۸/۴). از امام رضا (ع) سؤال کردم که پدر شما در چه حالی است؟ فرمود: از دار دنیا رفت، همان‌طور که پیشینیان از دار دنیا رفتند. سؤال کردم: پس چگونه رفتار کنم با روایت زرعه بن محمد حضرمی از سماعة بن مهران که روایت کرده امام صادق (ع) فرمود: این فرزند من (امام کاظم (ع)) شبیه به پنج تن از پیامبران است: هم‌چون حضرت یوسف مورد حسادت قرار می‌گیرد، مانند یونس نبی (ع) غائب می‌شود و به همین ترتیب سه پیامبر دیگر را ذکر کرد. امام رضا (ع) در جواب فرمود: زرعه دروغ می‌گوید، حدیث سماعة این‌گونه نیست: زیرا امام صادق (ع) به جای کلمه «ابنی» فرمود: صاحب هذا الأمر، یعنی حضرت قائم و مهدی (عج) شباهت به پنج پیامبر دارد و نفرمود پسر من.

این روایت به صراحت دلالت می‌کند بر این که زرعه در نقل روایت از سماعة کاذب است (خویی، ۱۴۱۳، ۲۷۳/۸). تکذیب زرعه توسط امام رضا (ع) این معنا را می‌رساند که تبدیل در حدیث، توسط زرعه انجام شده است و نه از سوی سماعة (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۴۹/۳۳؛ امین، ۱۴۰۳، ۵۹/۷). قابل ذکر است که زرعه بن محمد حضرمی از شاگردان سماعة و واقفی مسلک است (کشی، ۱۴۰۴، ۷۷۴/۲).

۲. روایت کلینی: عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: «كُنْتُ أَنَا وَأَبُو بَصِيرٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ، فَقَالَ: مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ مُحَدَّثًا فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: سَمِعْتُ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؟ فَحَلَفَهُ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ أَنَّهُ سَمِعَهُ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ: لَكِنِّي سَمِعْتُهُ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳۵/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۴۷۸/۲؛ همو، ۱۳۷۸، ۵۶/۱).

اگر سماعه واقفی بود (این روایات و به ویژه) روایت دوم را بیان نمی‌کرد و همچنین، در جایی هم بیان نشده که سماعه بعد از نقل چنین روایاتی، واقفی شده باشد (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۴۹/۳۳-۳۵۰).

دوم. کشی، واقفی بودن زرع را ذکر کرده، ولی در مورد وقف سماعه و غیر او سخنی بیان نکرده، بلکه روایت پیش گفته (که امامان ۱۲ نفر هستند) را نقل کرده و این روایت، بیانگر عدم وقف سماعه از دیدگاه کشی است.

سوم. برخی از افرادی که از سماعه نقل روایت کرده‌اند، راویانی هستند که جز از ثقه روایت نمی‌کنند و از اصحاب اجماع هستند. مانند: حسن بن محبوب، جمیل بن دراج، یونس بن عبدالرحمن و... پس روایت آن‌ها از سماعه، نشانگر وثاقت و غیر واقفی بودن اوست.

چهارم. ابن غضائری با وجود اشتها به سرعت در ذم و جرح راویان، نه سماعه را واقفی دانسته و نه او را جرح کرده (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳)، بلکه ظاهراً اعتقاد به عدم وقف وی داشته و همچنین، نقل وفات سماعه در زمان امام صادق علیه السلام از زبان ابن غضائری (همان)، عدم وقف سماعه را می‌رساند، زیرا گروه واقفیه بعد از وفات حضرت کاظم علیه السلام پدید آمدند.

پنجم. سماعه فرد مشهوری است و اگر واقفی بود، به این ویژگی مشهور می‌شد و مورخان و رجالیان در کتاب‌هایشان، واقفی بودنش را ذکر می‌کردند. لازم به ذکر است که شیخ مفید، سماعه را جزء افرادی می‌داند که مورد طعن و مذمت قرار نمی‌گیرد (مفید، ۱۴۱۳، ۲۵).

ششم. اگر بپذیریم که سماعه در زمان امام صادق علیه السلام وفات نکرده، ولی قطعاً بعد از امام کاظم علیه السلام هم زنده نبوده است تا بتوان او را واقفی دانست، زیرا اعتقاد به وقف بعد از فوت امام کاظم علیه السلام پدید آمد.

هفتم. علمای اسلام بر طبق روایات سماعه فتوا داده‌اند. کثرت روایات مفتی‌به از سماعه، خود شاهی بر عدم وقف اوست، حتی علما و راویان شهر قم از جمله ابن ولید و احمد بن محمد بن عیسی و... هم از سماعه نقل روایت کرده‌اند. این افراد، شخصیت‌هایی هستند که روایات هر فردی را قبول نمی‌کنند، گرچه صفتی کمتر از وقف داشته باشد (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۵۲/۳۳-۳۵۴).

هشتم. سخن امام صادق علیه السلام که پیروان خود و از جمله، سماعه را اهل بهشت دانسته است. شیخ طوسی در امالی روایتی نقل کرده، که نشان دهنده ولایت کامل سماعه و مقام وی نزد امام صادق علیه السلام است تا آنجا که امام به وی، وعده شفاعت در قیامت می‌دهد و موالیان خود (و از جمله سماعه) را اهل بهشت معرفی می‌کند.^۱

به همین جهت، محقق شوشتری بعد از نقل این سخن از شیخ صدوق و شیخ طوسی - مبنی بر واقفی بودن سماعه - در مقام نقد نظر این دو بزرگ می‌گوید: این خلطی است که ابن شهر آشوب نیز بدان مبتلا شده، زیرا روش کار وی آن است که فقط به دو کتاب رجال و فهرست شیخ طوسی مراجعه می‌کند. نظر شیخ طوسی در رجال (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۷، ۳۳۷) مبنی بر واقفی بودن سماعه صحیح نیست و این نسبت به ابن سماعه، فرزند سماعه برمی‌گردد. بنابراین، واقفی دانستن سماعه، اشتباه است (شوشتری، ۱۴۱۰، ۳۰۳/۵).

همچنین، در نقد نظر شیخ صدوق و طوسی می‌توان گفت:

الف. صدوق و به تبع وی شیخ طوسی، تنها کسانی هستند که سماعه را واقفی می‌دانند. شاید این نظر ناشی از آن است که واقفیان از زرع از سماعه، حدیث وقف را روایت کرده‌اند و از این رو، به اشتباه چنین گمان شده که سماعه هم واقفی است.

ب. زرع از سماعه روایات بسیاری نقل کرده، با وجودی که واقفی بودن زرع معلوم بوده، لیکن در زمان نجاشی و ابن غضائری عدم وقف سماعه مشخص شد. بنابراین، به آن اشاره نکرده‌اند و نجاشی در عوض، وثاقت او را تکرار کرده است و اگر شیخ هم، سماعه را واقفی می‌داند، فقط به سبب همراهی با دیدگاه صدوق است

۱.... امام صادق علیه السلام خطاب به سماعه فرمودند: يَا سَمَاعَةُ، مَنْ شَرُّ النَّاسِ قَالَ: نَحْنُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ: فَغَضِبَ حَتَّى احْمَرَّتَ وَجْنَتَاهُ، ثُمَّ اسْتَوَى جَالِسًا، وَكَانَ مَتَكِبًا، فَقَالَ: يَا سَمَاعَةُ، مَنْ شَرُّ النَّاسِ فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا كَذَّبْتُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، نَحْنُ شَرُّ النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ، لِأَنَّهُمْ سَمَوْنَا كُفَّارًا وَرَفَضُوا، فَنَظَرَ إِلَيَّ ثُمَّ قَالَ: كَيْفَ بِكُمْ إِذَا سِيقَ بِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ سِيقَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَيُنْظَرُونَ إِلَيْكُمْ فَيَقُولُونَ: «مَا لَنَا لَا نَرَى رَجُلًا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ» (ص/۳۸ و ۶۲). يَا سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ، إِنَّهُ وَاللَّهِ مِنْ أَسَاءَ مِنْكُمْ إِسَاءَةٌ مَسَيْنَا إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَقْدَامِنَا فَتَشْفَعُ فِيهِ فَتُشَفَّعْ، وَاللَّهِ لَا يَدْخُلُ النَّارَ مِنْكُمْ عَشْرَةُ رَجَالٍ... تَتَأَفَّسُوا فِي الدَّرَجَاتِ وَ أَكْمِدُوا عَدُوَّكُمْ بِالْوَرَعِ. (طوسی، ۱۴۱۴، ۲۹۵-۲۹۶)

و در این مورد، تنها به حسن ظن به وی اکتفا کرده است. پس در نهایت، روشن گردید که سماعه واقفی نیست (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۳/۳۵۳).

مامقانی پس از نقل سخن سابق الذکر از محقق در معتبر می نویسد: شاید مراد وی، جمع کردن بین دو قول شیخ طوسی و نجاشی بوده، زیرا نجاشی سماعه را ثقه می دانست و شیخ، وی را واقفی معرفی کرده است و بر فرض، نجاشی هم سماعه را واقفی بداند، باز هم هیچ مشکلی پیش نمی آید، زیرا بین واقفی بودن و ثقه بودن تعارضی وجود ندارد. روایت های افراد موثق بنابر روایت بنو فضال، حجیت دارند؛ اما اشکال وارده در این جا در مورد ثبوت واقفی بودن سماعه می باشد که البته وقف وی اثبات نشده است (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۳/۳۴۶-۳۴۷).

قابل ذکر است که مولی صالح مازندرانی سماعه را فطحی می داند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۲۵۷/۱)، ولی نظر وی قطعاً اشتباه است، زیرا هیچ یک از علمای رجال، تاکنون چنین دیدگاهی را بیان نکرده است (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۳/۳۴۷).

ز. دیدگاه علمای رجال پیرامون وثاقت سماعه

هرچند در مورد وقف سماعه، بین رجالیون اختلاف نظر وجود دارد، ولی همگی بر وثاقت وی، اتفاق نظر دارند. به عنوان نمونه، نجاشی از سماعه با تعبیر «ثقة ثقة» تمجید می کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۳-۱۹۴) و شیخ طوسی وی را ثقه دانسته و روایات وی را قابل عمل می داند (طوسی، ۱۴۱۷، ۱/۱۵۰). محقق حلی در معتبر، گرچه سماعه را واقفی دانسته، لیکن به وثاقت وی تصریح کرده است، بلکه دیدگاه اهل حدیث بر وثاقت سماعه را مطرح می کند (حلی، ۱۴۰۷، ۱/۱۰۴). علامه نیز در رجال خود با دو مرتبه تأکید بیان می کند که سماعه فردی ثقه است (حلی، ۱۳۴۲، ۵۶۳). به گفته محقق خوئی، در وثاقت سماعه هیچ اشکالی وجود ندارد (خوئی، ۱۴۱۳، ۸/۲۹۹) و مامقانی نیز سماعه را دارای وثاقت می داند (مامقانی، ۱۴۳۱، ۳۳/۳۴۶-۳۴۷).

شواهد ذیل نیز وثاقت سماعه را اثبات می کند:

الف. ابن ابی عمیر، أحمد بن محمد بن ابی نصر و صفوان بن یحیی از شاگردان سماعه هستند و بنا به تصریح شیخ طوسی، این سه تن از کسانی هستند که جز از فرد ثقه

نقل حدیث نمی‌کنند.^۱ نقل روایت این سه تن از سماعة بن مهران، دلیلی بر وثاقت اوست.

ب. شیخ طوسی با آن که سماعة را واقفی نامیده، ولی به وثاقت و حجیت روایات سماعة اعتراف کرده و می‌گوید: «اگر راوی غیر امامی در نقل حدیث راستگو باشد و از کذب پرهیز کند، به روایت وی عمل می‌شود و از این رو، طائفه (شیعه امامیه) به اخبار فطحیه، مانند عبد الله بن بکیر و غیره و همچنین به اخبار واقفیه مانند سماعة بن مهران و علی بن ابی حمزه ... عمل نموده‌اند» (طوسی، ۱۴۱۷، ۱۵۰/۱).

در جمع‌بندی اقوال رجالیان می‌توان گفت: بنا بر اشتهاار سماعة در کتب حدیثی، سماعة فردی ثقة، قابل اعتماد و غیرواقفی است و روایات وی حجت است.

نتیجه‌گیری

از تحقیق و تتبعی که انجام گرفت نتایج ذیل به دست آمد:

۱. سماعة بن مهران بن عبد الرحمن حضرمی، فردی شیعه و دوازده امامی بوده است. کنیه‌اش ابا نضره بوده و به تجارت ابریشم اشتغال داشته است.
۲. سماعة در دوران امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) می‌زیسته است.
۳. سماعة نه تنها واقفی نیست - چنان‌که برخی ادعا کرده‌اند - بلکه عالمی بزرگ و جلیل‌القدر و از راویان ثقة و قابل اعتماد امامیه است.
۴. سماعة، تربیت یافته مکتب امامان معصوم و بزرگوار شیعیان بوده و با توجه به زحمات والا و ارزنده اهل بیت و مشایخ روایش، سماعة به عنوان شاگرد مکتب تشیع، خدمات ارزنده‌ای را به جامعه اسلامی عرضه نموده است.
۵. حدود ۹۵۰ روایت از سماعة در موضوعات مختلف فقهی، تفسیری، کلامی، اخلاقی و ... نقل شده که خود بیانگر تبهر و احاطه علمی و دقت بالای وی است.

۱. «سوت الطائفة بین ما یرویه محمد بن أبی عمیر وصفوان بن یحیی وأحمد بن محمد ابن أبی نصر وغیرهم من الثقات الذین عرفوا بأنهم لا یروون ولا یرسلون إلا عن یوثق به و بین ما أسنده غیرهم، ولذلک عملوا بمراسیلهم إذا انفردوا عن رواية غیرهم» (طوسی، ۱۴۱۷، ۱۵۴/۱).

۶. راویان ارزشمندی که تربیت یافته در مکتب سماعه بوده‌اند و از وی نقل حدیث کرده و در نزد او، زانوی شاگردی در نقل حدیث داشته‌اند، خود نشانه‌ای دیگر از وثاقت سماعه بن مهراڻ هستند.

کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، اللباب فی تهذیب الأنساب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.
۳. —، عیون أخبار الرضا (ع)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۴. —، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
۶. اشعری قمی، احمد بن محمد، النوادر (للأشعری)، قم، مدرّسه الإمام المهدی (ع)، ۱۴۰۸ق.
۷. امین، محسن، أعیان الشیعة، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۸. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، چاپ دوم، قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۹. —، رجال البرقی، تصحیح محمد کاظم میاموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۱۰. بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیة العارفين، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، تصحیح محمد مهدی خراسان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۵۱م.
۱۱. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، فوائد الوحید البهبهانی، چاپ شده به همراه رجال الخاقانی، از خاقانی، علی بن حسین، چاپ دوم، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۶۲ش.
۱۲. حجتی، سید محمد باقر، علی اکبر غفاری و لاله افتخاری، روش تفسیری صادقین (ع)، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (ع)، ش ۴۱، ۱۳۸۱ش.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۴. حلی، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۷ق.
۱۵. حلی، حسن بن علی، رجال ابن داود، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۱ق.
۱۷. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی‌جا، مرکز نشر الثقافة، ۱۴۱۳ق.
۱۸. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ق.
۱۹. —، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
۲۰. شانه‌چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۲۱. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۲. شیخ کبیر، محمدحسن، نتیجه المقال فی علم الرجال، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۴۳۲ق.
۲۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

۲۵. —، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. —، رجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۷ق.
۲۷. —، عدة الاصول، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، مؤسسة بعثت، ۱۴۱۷ق.
۲۸. —، فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الاصول، تحقیق عبدالعزيز طباطبائی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
۲۹. عده ای از علماء، الأصول الستة عشر، قم، دار الشبستری للمطبوعات، ۱۳۶۳ش.
۳۰. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، چاپ دوم، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۱۲ق.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۳۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه أمير المؤمنين علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الكتاب، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۴. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، چاپ دوم، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ق.
۳۷. —، المؤمن، قم، مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
۳۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد، ۱۴۱۰ق.
۳۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ش.
۴۰. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محی الدین مامقانی، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آية الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، الارشاد للمفید، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیة، بی تا.
۴۴. —، الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۵. —، الرد علی أصحاب العدد - جوابات أهل الموصول فی العدد والرؤية، تحقیق مهدی نجف، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی)، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.
۴۷. نوری محدث، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۴۸. وکیع بغدادی، ابوبکر محمد بن خلف بن حیان، أخبار القضاة، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۲۲ق.
۴۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.